

گفت‌وگو

وضعیت فلسفه در ایران معاصر

در «روز جهانی فلسفه»

■ گروه اندیشه: حجت‌الاسلام دکتر خسروپناه: رئیس موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و رئیس شورای سیاستگذاری همایش «روز جهانی فلسفه» ۲۰۱۲ در گفت‌وگو با پایگاه خبری «موسسه»، به تبیین موضوع همایش روز جهانی فلسفه و اهداف آن پرداخته که به شرح ذیل است:

■ ■ ■

■ **مهم‌ترین برنامه موسسه برای روز جهانی فلسفه چیست؟**

روز جهانی فلسفه که همه ساله در یکی از کشورهای جهان برگزار می‌شود فرصت مغتنمی را برای اندیشمندان ایران فراهم می‌آورد تا یافته‌های عملی خود را در عرصه فلسفه به معنای عام خود به اشتراک گذاشته و ضمن ورود به گفت‌وگوهای علمی سازنده، نگاهی از بالانیز به وضعیت فلسفه در کشور داشته باشند موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران به دلیل جایگاه والای خود در عرصه مباحث فلسفی کشور و نگاه ویژه استادان و دانشجویان کشور به آن، وظیفه خود می‌داند که این فرصت را مغتنم شمرده و زمینه تبادل اندیشه‌های فلسفی را هر چه بیشتر فراهم آورد.
بسه همین منظور در سال ۱۳۹۱، همزمان با روز جهانی فلسفه قصد داریم کنفرانسی را با هدف بررسی تحولات و وضعیت فلسفه در ایران برگزار کنیم.

■ **مقصود از فلسفه، معنای خاص فلسفه است یا مباحث عام‌تری را هم در بر می‌گیرد؟**

مقصود از فلسفه در این عنوان مفهومی موسع است که حیطه‌های کلام، عرفان، منطق و تا حدی مباحث فلسفی علوم تجربی و انسانی را نیز شامل می‌شود.
■ **این همایش چه سیاست‌های کلاسی را دنبال می‌کند؟**

مهم‌ترین سیاست‌های اصلی حاکم بر فعالیت‌های علمی مرتبط با روز فلسفه را می‌توان در قالب این موارد ذکر کرد:

۱- مشارکت حداکثر استادان و دانشجویان در دانشگاه‌های کشور و طلاب و استادان حکمت اسلامی در حوزه‌های علمیه در جهت کمک به تصمیم‌سازی‌های درست در بخش تصمیم‌گیر کلان کشور.

۲- ایجاد فضای گفت‌وگوی صمیمانه میان استادان و دانشجویان با هدف بررسی وضعیت فعلی فلسفه در کشور، به دست آوردن تلقی مناسب از وضعیت مطلوب فلسفه در کشور و وصول به برخی راهکارهای مناسب برای حرکت در مسیر مطلوب.

۳- برقراری ارتباط علمی عمیق‌تر میان استادان از یک سو و دانشجویان از سوی دیگر جهت تلفیق پختگی علمی و ریسک‌پذیری علمی که لازمه هرگونه نوآوری در عرصه علمی کشور است.

۴- کمک به اهداف نقشه جامع علمی کشور و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افاق ۱۴۰۴.

■ **چه موضوعاتی در این همایش مورد بررسی قرار می‌گیرد؟**

اهم موضوعاتی که با قالب‌ها و اهداف مذکور مدنظر این برنامه ملی خواهد بود عبارت‌اند از:

۱- بررسی وضعیت آموزش فلسفه در کشور در مقاطع دبستان،راهنمایی،دبیرستان،دانشگاه،مقاطع تحصیلات تکمیلی، حوزه‌های علمیه،آموزش‌های آزاد.
۲- بررسی وضعیت پژوهش‌های فلسفی در قالب پایان‌نامه،رساله،طرح‌های پژوهشی و پژوهش‌های آزاد.
۳- بررسی وضعیت انجمن‌های علمی مرتبط با فلسفه از حیث تعداد،تنوع، تعداد اعضا، نوع و گستره فعالیت و…
۴- بررسی مجلات علمی پژوهشی، علمی ترویجی، علمی تخصصی و دانشجویی مرتبط با مباحث فلسفی از حیث تنوع،خودنگارگان و…
۵- بررسی کاربردی بودن یا کاربردی کردن مباحث فلسفه در سطح جامعه.
۶- بررسی تنوع موضوعات و مکاتب فلسفی مورد توجه در ایران.
۷- بررسی وضعیت نیروی انسانی در فلسفه از حیث تعداد اعضاء هیات علمی، تعداد دانشجویان، تعداد دانشجو به استاد، تعداد گروه‌های علمی، تنوع گروه‌های علمی، نحوه جذب دانشجو.
۸- بررسی وضعیت بازار نشر کتاب‌های فلسفی در ایران اعم از ناشران کتاب‌های فلسفی، تیراژ، تنوع عناوین، کیفیت چاپ و پخش و…
۹- بررسی امکانات مورد نیاز برای آموزش و پژوهش فلسفی خصوصا میزان کتابخانه‌های مجلات در دسترس.
۱۰- بررسی وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان فلسفه در بازار کار ایران.

۱۱- بررسی وضعیت بنیادهای فلسفی در کشور.

۱۲- بررسی وضعیت جواز و جشنواره‌های علمی مرتبط با مباحث فلسفی و بزرگداشت بزرگان فلسفه در کشور.

■ **قالب‌های تعیین‌شده جهت بررسی موضوعات مذکور چیست؟ مقاله، نشست، مصاحبه و…؟**

فعالیت‌هایی که امسال برای روز جهانی فلسفه و با هدف بررسی وضعیت فلسفه در ایران انجام می‌گیرد، در قالب‌های مختلف نگارش مقاله، مصاحبه علمی و نظرسنجی خواهد بود. ما در این همایش، از مقالات ارسالی توسط صاحب‌نظران استقبال می‌کنیم،همچنین در طرح نظرسنجی بنا داریم از طریق اخذ نظرات استادان و نیز دانشجویان کشور در خصوص وضعیت فلسفه در کشور بر اساس روش‌های علمی، با سنجش وضعیت فعلی و تصویر وضعیت مطلوب، فاصله موجود به دست آمده و راهکارهای وصول به وضعیت مطلوب را بررسی کنیم. این نظرسنجی بعد از تحلیل علمی در قالب کتاب در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت و تحلیل نظرسنجی فارغ از داده‌های اولیه آن گزارش مختصری خواهد شد که برای سیاست‌گذاران علمی کشور نیز می‌تواند راهگشا باشد.

در ۱۷۸۴ یک نشریه آلمانی متن کوتاهی را چاپ کرد که پاسخی بود به پرسش « was ist Aufklärung» («روشنگری چیست؟»). با این متن کوتاه که پاسخ کانت به پرسش نشریه آلمانی بود، پرسشی وارد تاریخ اندیشه شد که فلسفه مدرن هیچ‌گاه نتوانسته از آن خلاصی یابد و در عین‌حال هیچ‌گاه قادر به دادن پاسخی به آن نبوده است. در واقع، اگر بخواهیم تعریفی از فلسفه مدرن ارائه دهیم، شاید بتوانیم بگوییم فلسفه‌ای که طی بیش از دو قرن همواره کوشیده با احتیاط تمام به پرسش «روشنگری چیست؟» پاسخ دهد؛ فیلسوفی نیست که مستقیم یا غیرمستقیم با این پرسش مواجه نشده باشد؛ از هگل تا نیچه، وبر، هور، کهایمر یا هابرماس و دیگران.

متن کوتاه کانت به نوعی روی خط اتصال و لولای تامل انتقادی و تامل روی تاریخ قرار دارد. تاملی که کانت روی اکتونیت اقدام خودش می‌کند. البته این اولین بار نیست که یک فیلسوف دلایل نگارش اثرش را بیان می‌کند، اما به‌منظر می‌رسد که اولین بار است که یک فیلسوف رابطهای تنگاتنگ و درونی برقرار می‌کند میان دلالت آثارش، تامل روی تاریخ و تحلیلی ویژه از لحظه تکیتی که دستس به نوشتن زده و به علت آن دست به نوشتن زده. تامل روی «هروز» به‌منابه تفاوت در تاریخ و به‌متناسبه انگیزه‌های برای یک کار فلسفی خاص، به این ترتیب، شاید بتوانیم نقطه عزمی‌تری را در این متن کوتاه ببینیم: طرح اولیه و کلی رویکرد مدرنیته.

اغلب مدرنیته را یک دوره یا مجموعه‌ای از ویژگی‌های سرشت‌نمای یک دوره به‌شمار می‌آورند، دورای در میان دو دوره قبل و بعد، یک دوره پیشامدرنیته که کم‌وبیش مهجور و کهنه و ساده‌لوحانه است و یک دوره پسامدرنیته که معموار و اضطراب‌آور است. با این حال، این‌امی‌شود نگاه دیگری داشت و مدرنیته را بیشتر یک رویکرد دانست تا یک دوره تاریخی و منظور از رویکرد عبارت است از وجه رابطه با اکتونیت، انتخاب رضایتمندانه‌ای که برخی می‌کنند و دست‌آخر شیوه‌ای از اندیشیدن و نیز شیوه‌ای از کنش و رفتار؛ به‌عبارتی چیزی اندکی شبیه به آنچه یونانیان êthos (خویگان، خلق‌وخو، اخلاق) می‌گفتند.

رویکرد مدرنیته برای اکتونیت ارزش بسیاری قابل است، اما این ارزش بالای زمان حال، تفکیک‌ناپذیر است از سرسختی و مساجت در این‌که زمان حال را به‌گونه غیر از آنچه هست، تصور کنیم، سرسختی در دگرگون کردن زمان حال و این دگر، گونی به معنای تخریب و ویران کردن زمان حال نیست، بلکه به‌معنای آن است که آن را در آنچه هست از آن خود و دگرگون کنیم. رویکرد مدرنیته کرداری است که در آن توجه بی‌اندازه به امر واقع مواجه است با کردار آزادی که در عین احترام به‌ه امر واقع، می‌کوشد آن را زیر پا بگذارد و نقض کند.

با این حال، رویکرد مدرنیته صرفا شکلی از نسبت با زمان حال نیست، بلکه شیوه‌ای است از نسبت با خود. در واقع، پرسشگری فلسفی که در روشننگری ریشه

دارد، هم نسبت با زمان حال را به مساله بدل می‌کند، هم وجه تاریخی‌بودن را و هم برساختن خود به‌منزله سوزهای خودمختار و مستقل را، وانگهی، رشته‌ای که ما را به روشننگری پیوند می‌دهد، وفاداری به عناصر این آموزه نیست، بلکه بازفعال‌سازی دایمی یک رویکرد، بازفعال‌سازی یک اتوس فلسفی به‌منابه نقد دایمی هستی تاریخی‌مان است: نقد آنچه می‌گوییم، آنچه می‌اندیشیم، آنچه می‌کنیم.

اندیشه



(از راست به چپ) افشین جهان‌دیده و عادل مشایخی/ عکس: امیر جدیدی شرق

نشست نقد و تبیین اندیشه‌های «فوکو» و «دلوز» در موسسه پرش

رویکرد مدرنیته

افشین جهان‌دیده

تالیا تجلی: جلسه نقد و تبیین اندیشه‌های میشل فوکو و ژیل دلوز پنجشنبه گذشته در موسسه پرش برگزار شد. افشین جهان‌دیده با موضوع «فوکو: نقد امر سیاسی» و عادل مشایخی با موضوع «دلوز: نقد امر سیاسی» به سخنرانی پرداختند. البته محمدجواد غلام‌ضارکاشی هم قرار بود با موضوع نقدی بر اندیشه فوکو و دلوز در این همایش حضور داشته باشد که از غایبان این جلسه بود. افشین جهان‌دیده اولین سخنران این جلسه بحث خود را با پرسش روشننگری چیست آغاز کرد: پرسشی که فلسفه مدرن بیش از دو قرن در تلاش برای پاسخگویی به آن است. وی با بیان اینکه تمام تلاش فوکو آن است که مدرنیته را رویکرد ببینیم تاکید کرد: از منظر فوکو منظور از رویکرد آن وجهی است که با اکتونیت و زمان حال داریم. یعنی اندیشیدن برای فراتر رفتن از وضعیت کنونی. فوکو بر این باور است که ما هیچ‌گاه در بدیهات تامل نمی‌کنیم واین در حالی است که رویکرد مدرن شک کردن به همه بداهت‌هاست. هدف فوکو تبارشناختی و روش وی دیرینه‌شناختی است. آنچه در رویکرد مدرن - انتقادی و زندگی فلسفی ما اهمیت دارد تکرار نظر به‌ها نیست بلکه تحلیل تجربی موقعیت‌هاست. سخنران بعدی این نشست عادل مشایخی بود که با موضوع دلوز: نقد امر سیاسی به موضوع نقد از منظور دلوز اشاره کرد و گفت: از منظر دلوز نقد باید ایجابی باشد، یعنی ضمن متزلزل کردن و انحلال موضوع نقد، امر دیگری را آشکار کند: امری که تکوین موضوع نقد را ممکن کرده‌است. به بیان دقیق‌تر، نقد باید تکوینی دوگانه را نشان دهد: تکوین موضوع نقد و تکوین امری که تکوین موضوع نقد را ممکن کرده‌است. آنچه در پی می‌آید متن سخنرانی افشین جهان‌دیده و عادل مشایخی است که از جانب ایشان در اختیار روزنامه قرار گرفته است.

دارد، هم نسبت با زمان حال را به مساله بدل می‌کند، هم وجه تاریخی‌بودن را و هم برساختن خود به‌منزله سوزهای خودمختار و مستقل را، وانگهی، رشته‌ای که ما را به روشننگری پیوند می‌دهد، وفاداری به عناصر این آموزه نیست، بلکه بازفعال‌سازی دایمی یک رویکرد، بازفعال‌سازی یک اتوس فلسفی به‌منابه نقد دایمی هستی تاریخی‌مان است: نقد آنچه می‌گوییم، آنچه می‌اندیشیم، آنچه می‌کنیم.

نقد و امر سیاسی

عادل مشایخی

اکسیوماتیک نظامی است از قضایای بنیادین و قضایایی که عنوان بحث را با مفهوم «دلوزی» نقد آغاز می‌کنم و با اشاره به مفهوم امر سیاسی نزد دلوز به پایان می‌برم. سیری از «نقد» به «امر سیاسی»: ترکیب عطفی مندرج در عنوان، بیانگر این سیر است.

دلوز از «چیچه و فلسفه» (۱۹۶۲) که بعد در آثار خود مدام به شیوه‌های مختلف تاکید می‌ورزد که نقد باید ایجابی باشد، یعنی ضمن متزلزل کردن و انحلال موضوع نقد، امر دیگری را آشکار کند، امری که تکوین موضوع نقد را ممکن کرده است. به بیان دقیق‌تر، نقد باید تکوینی دوگانه را نشان دهد: تکوین موضوع نقد و تکوین امری که تکوین موضوع نقد را ممکن کرده است.

این برداشت از نقد برداشتی «پساکانتی» است و سابقه آن به کسانی چون «فیشتنه» و «سالمون مایمون» بازمی‌گردد. با رجوع به مفهوم «استنتاج تکوینی» نزد فیشتنه می‌توان نخستین گام را برای نزدیک شدن به این مفهوم از نقد برداشت: فیشتنه برای «تکمیل» پروژه انتقادی کانت سیری تکوینی را از آگوی استعلایی کانت آغاز می‌کند، یعنی با مبنا قرار دادن آگوی استعلایی و با استناد به شرایطی که برای تبیین امکان «خودگامی» ضروری‌اند به استنتاج مقولات می‌پردازد. آغازگاه این استنتاج پایان استنتاج استعلایی کانت و منتظران آن فرآیندی است که نزد هگل و در قالب دیالکتیک به کمال می‌رسد. اما دلوز در صورت‌بندی نقد به شیوه پساکانتی نه از فیشتنه بلکه از مایمون پیروی کرده است. استنتاج تکوینی در واقع پاسخ به مساله‌ای است که مایمون مساله اصلی نقد عقل محض کانت معرفی کرده و استنتاج استعلایی کانت را پاسخی ناکافی به آن تلقی کرده است. در واقع تمایز مایمون از فیشتنه در منطق متفاوت استنتاج تکوینی او نهفته است: منطق دیفرانسیل.

برای رسیدن به درکی از این منطق و در نتیجه فهم حرکت انتقادی دلوز به‌منزله بپیگیری تکوین دوگانه‌ای که بدان اشارت رفت، می‌توان به پیش‌گفتاری که دلوز بر کتاب critique et clinique نوشته هرمان ملویل، دلوز تصریح می‌کند که فرمول «ترجیح می‌دهم که نه» از نظر گرامری درست است، اما قضیه‌ای در زبان نیست؛ این فرمول شرط پروسنی کنش نوشتن را برآورده می‌کند، هذبانی تمام‌عیار. در مواردی از این دست با قضایایی مواجهیم که براساس قواعد دستگاهی اکسیوماتیک در زبان ساخته شده‌اند و درست‌شان «قابل مشاهده» است، اما در دستگاهی قابل اثبات نیستند. آنچه «مشاهده» می‌شود: منظره‌ها و اصواتی غیرزبانی، رویدادهایی که قضیه‌ناقضیه «بیانگر» آن است، رویدادهایی در مرزهای زبان. اما منظور از رویداد چیست؟ پاسخ به این پرسش خطوط کلی نوشتن آغاز می‌کند: نویسنده زبانی جدید در زبان خلق می‌کند. خلق زبان جدید در زبان واداشتن زبان به هذبانی‌گویی است: با خلق زبانی جدید در زبان کل زبان به سوی حدی «تاجوی» (asyntaxique) یا «گرامری» (agrammatical) میل می‌کند. این حد (limite) عبارت است از منظره‌ها و اصواتی غیرزبانی که فقط از خود زبان می‌توانند مشتق شوند.

برای درک این اشارات معمّا‌میز از دو واسطه می‌توان کمک گرفت که در پیوند با یکدیگر ربط این اشارات را با برداشت دلوزی از نقد آشکار خواهند کرد. واسطه نخست برداشت اکسیوماتیک از زبان است. زبان به منزله دستگاهی نزدیک می‌شود. نکته مهم این

تاریخی در رویدادهایی که ما را سوق داده‌اند به بازشناختن و برساختن خودمان به‌منزله سوزه‌های آنچه می‌اندیشیم، آنچه می‌گوییم و آنچه می‌کنیم. در این معنا، چنین نقدی استعلایی نیست و هدف از چنین نقدی این نیست که نوعی متافیزیک را امکان‌پذیر کند؛ بلکه غایت چنین نقدی تبارشناختی است و روش آن دیرینه‌شناختی. این نقد در این معنا دیرینه‌شناختی است و نه استعلایی که نمی‌کوشد ساختارهای جهانشمول و عام‌هر شناخت ممکن یا هر کنش اخلاقی ممکن را آشکار سازد، بلکه می‌کوشد گفت‌مان‌هایی را مطالعه کند که آنچه را می‌اندیشیم، می‌گوییم و می‌کنیم، به‌منابه رویدادهایی تاریخی مفصل‌بندی می‌کنند. واین نقد در این معنا تبارشناختی است که از آنچه هستیم، آن چیزی را نتیجه نمی‌گیرد که امکان شناخت یا انجام‌اش را نداریم؛ بلکه از اتفاق و پیشامدی که ما را به آنچه هستیم وامی‌دارد، این امکان را آزاد و آشکار می‌کند که دیگر آنچه هستیم، می‌کنیم یا می‌اندیشیم، نباشیم، نیندیشیم و نکنیم. چنین نقدی در پی آن است که کار بی‌پایان آزادی را هرچه دورتر و هرچه وسیع‌تر پیش ببرد.

بعلاوه، این رویکرد تاریخی-انتقادی باید رویکردی تجربی نیز باشد. این کار روی محدوده‌هایمان باید از یک‌سو عرصه‌ای از تحقیقات تاریخی را باز کند، از سوی دیگر واقعیت و اکتونیت را بررسی کند تا هم نقطه‌ای را بیابد که تغییر در آنها امکان‌پذیر و خواستنی است، هم شکل دقیقی را این تغییر باید بیابد، تعیین کند. در واقع، این هستی‌شناسی تاریخی خودمان باید از تمامی پروژه‌هایی دست بشوید که ادعای فراگیربودن و ریشه‌ای‌بودن دارند. به تجربه دریافته‌ایم که همه این ادعاهای کلی و عالم‌برون‌فت از سیسستم کنونی و رسیدن به جامعه‌ای دیگر، فرهنگی دیگر و جهان‌بینی دیگر چگونه ما را به خطرناک‌ترین سنت‌ها سوق داده است.

این اتوس فلسفی هستی‌شناسی تاریخی-انتقادی خودمان یک آزمودن و تجربه کردن تاریخی-عملی محدوده‌هایی است که می‌توانیم از آنها برگذریم و فراتر رویم. در نتیجه کاری است روی خودمان به‌منزله موجوداتی آزاد.

هستی‌شناسی انتقادی خودمان یک نظریه، یک آموزه یا حتی دانش اثبات‌شده نیست؛ بلکه یک رویکرد است، یک اتوس، یک زندگی فلسفی که در آن نقد آنچه هستیم، هم یک تحلیل تاریخی محدوده‌هایی است که برآیمان وضع شده است، هم تجربه‌کردن و آزمودن امکان برگزشتن از این محدوده‌ها.

دست‌آخر این پرسشی باقی می‌ماند که آیا کار نقد باید همچنان متضمن نوعی ایمان به روشننگری باشد؟ پاسخ هرچه باشد، در هر حال باید گفت که کار روی محدوده‌هایمان ضروری است، کاری سخت و صبورانه که به بی‌صبری آزادی شکل می‌دهد.

■ **این گفتار چکیده‌ای است از متنی که فوکو در ۱۹۸۴ تحت عنوان «روشنگری چیست؟» چاپ کرد.**

گفت‌وگو

«کریم زمانی» در آستانه برگزاری کلاس شرح غزلیات شمس

مولانا به جغرافیای خاصی تعلق ندارد

■ **کریم زمانی، دوره آموزشی «شرح غزلیات شمس» را در ۱۰ جلسه در مرکز فرهنگی «شهرکتاب» برگزار خواهد کرد. به انگیزه شروع این دوره، سایت این مرکز گفت‌وگوی کوتاهی با او کرده است.**

■ ■ ■

■ **برنامه شما در این دوره بر چه اساسی است؟**
شرح چند غزل سا بهره‌گیری از زبان ناطق خود متن، یعنی تفسیر متن با متن در چارچوب رمزگشایی از نمادهای جاری در متن و این شیوه ظاهرا مطمئن‌ترین شیوه‌است، چرا که به خیالبافی و سخنان «من‌در‌آوردی» مجالی نمی‌دهد. البته این کار زحمت نیز دارد و ممارست مدام با متن را می‌طلبد.

■ **قصد دارید بیشتر بر کدام مفاهیم غزلیات تاکید کنید؟**

بر کلیت معنایی هر غزل تکیه داریم. چون اکثر غزلیات مولانا برخلاف غزلیات دیگران، وحدت موضوعی دارد، مانند طوماری است که گمشودن می‌گیرد و گسترش می‌یابد یا همچون بذری است که شکفته و شکفته می‌شود، جوانه می‌زند، نهال می‌شود و سرانجام به درختی تناور و سایه‌مند بدل می‌شود.

■ **تکیه شما بیشتر بر کدام غزلیات است؟**

از آن رو که بیشترین غزل‌های مولانا حکایت شور و شیدایی و حماسه روحانی است، طبعاً گزینش ما نیز از میان همین غزلیات خواهد بود.

■ **آیا برای شرکت در کلاس‌ها به پیش‌زمینه خاصی نیاز است؟**

هرگز! بلکه صرفا علاقه‌مندی کفایت می‌کند، هرچند که داشتن زمینه قبلی بهتر است.

■ **در جایی گفته‌اید که غزلیات حدیث نفس مولوی است، اگر چنین است چرا می‌تواند برای نسل امروز و با دغدغه‌های امروزی مفید باشد؟**
ویژگی خاص مولانا راهایی از کمند زمین و زمان است. نه به جغرافیای خاصی منحصر است و نه به تاریخ خاصی. پیام او برای کل بشر همیشه تازه و سربلند است و از آن رو که بر جمیع ساحات وجودی انسان آگاهی کامل دارد، حدیث نفس او نیز راهنمای معرفتی و عملی انسان امروز است. غزلیات مولانا تجلی‌گاه معنویت و دین‌ورزی عاری از تعصبات ویرانگر و طریقت صالح با کل و نوع‌دوستی و تکرگرایسی است و اینهاست دغدغه‌های آرام‌شهری اسان امروز.

خبرچین

تجدید دیدار با سقراط

■ سقراط در تاریخ فلسفه چهره‌ای بی‌هماست که زندگی و اندیشه‌هایش هر دو توجه‌برانگیز بوده‌اند. او کتابی‌ننوشت،اما درآشارس بسیارنوشته‌اندومتفکرانی با مشرب‌های فکری گوناگون (از کی‌پرگکو و نیچه گرفته تا هگل و هایدگر و کاندلر آرت و دیگران) کوشیده‌اند از کار او سردرآورند و گاه او را به پرسش بگیرند. دوره آموزشی تجدید دیدار با سقراط (تفکر، گفت‌وگو و سنجشگری) که در ۱۰ جلسه برگزار می‌شود، تجدید دیدار با متفکری است که می‌توان گفت زندگی و سیرفکری‌اش به اعتباری دعوتی است به تفکر. بر همین اساس، مضامین مربوط به تفکر و اهمیت، خاستگاه، چرایی و موانع و دشواری‌های آن و نیز نسبت تفکر با گفت‌وگو و دیگری، از منظر سقراطی، به بحث گذاشته می‌شود.این دوره آموزشی تا ۱۶ برگزار می‌شود. آغاز آن ۲۵ مهرماه است و علاقه‌مندان برای ثبت‌نام تا ۱۸ مهر فرصت دارند در ساعات اداری به مرکز فرهنگی شهرکتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمدقصری (بخارست)، نبش کوچه سوم مراجعه کنند و برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره‌های ۸۸۷۱۳۳۱۶ و ۸۸۷۱۳۴۵۸ تماس بگیرند.

سمینار تاریخ و فلسفه علم

■ گروه مطالعات علم موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در نظر دارد با هدف تشویق دانشجویان به پژوهش، آشنایی دانشجویان با موضوعات پژوهشی یکدیگر و فراهم آوردن زمینه برای نقد یکدیگر، سالانه سمینارهای دانش‌جویی با موضوع تاریخ و فلسفه علم برگزار کند. به این وسیله از دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی برای ارسال مقاله و شرکت در اولین دوره از سمینارهای دانشجویی تاریخ و فلسفه علم، که در اسفندماه سال ۱۳۹۱ در موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران برگزار خواهد شد، دعوت به عمل می‌آید. مقالات در همه موضوعات مرتبط با فلسفه و تاریخ علم مورد ارزیابی قرار گرفته و مقالاتی که از کیفیت و نوآوری بالاتری برخوردار باشند برای ارائه در سمینار پذیرفته خواهند شد. در صورت تصویب کمیته علمی، تعدادی از مقالات پذیرفته‌شده در مجموعه‌ای به چاپ خواهد رسید. مقالات ارسالی باید حداکثر دارای چهارهزار کلمه باشند.متقاضیان شرکت در سمینار می‌توانند تا پیش از پایان مهرماه ۱۳۹۱ (مقالات (و یا چکیده مقاله بین ۷۰۰ تا هزار کلمه) خود را به صورت الکترونیکی و در قالب فایل‌های Word یا PDF به آدرس ایمیل hpscrip@yahoo.com ارسال کنند. نتیجه ارزیابی از طریق ایمیل تا دی‌ماه ۱۳۹۱ به شرکت‌کنندگان اعلام خواهد شد.